

کارگران ایران توهمی به سازمان بین المللی کار ندارند!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

مسئله این نیست که در لحظه کنونی این یا آن کارگر و یا حتی کل پرولتاریا چه هدفی را برای خود مجسم کرده است. مساله این است که پرولتاریا کیست و چه تکالیفی را تاریخا مجبور خواهد شد در انطباق با هستی اش به پیش ببرد.

مارکس: خانواده مقدس

رژیم جمهوری اسلامی، در سال های اخیر تلاش می کند که بخشی از قوانین و مقررات قانون کار خود را با نهادهای بین المللی بورژوازی جهانی هماهنگ کند تا به تقویت هر چه بیشتر مناسبات کار و سرمایه منجر گردد. سازمان بین المللی کار (آی ال او)، به عنوان یک نهاد بورژوازی جهانی، سیاست های ناظر بر سه جانبه گرایی متشکل از نمایندگان تشکل های کارگری، تشکل های نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان دولت ها را تدوین و کنترل می کند، از رژیم جمهوری اسلامی خواسته تا شرایط مندرج در مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ این سازمان را برآورده سازد.

در این میان، سندیکالیست های داخل و خارج کشور، از حول حلیم در دیگ افتاده اند و طوری به سیاست های سازمان بین المللی کار دل بسته اند که انگار این نهاد قرار است، به داد کارگران ایران برسد و به مبارزه آنها برای رهایی از فلاکت و سرکوب و خفقان خونین جمهوری اسلامی یاری رساند. خوشبختانه بخش آگاه و پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر ایران، توهمی به سازمان بین المللی کار و ترفندهای جمهوری اسلامی و خانه کارگرش ندارند.

قبل از چیز هر باید به این مسئله مهم طبقاتی تاکید کرد که برپایی تشکل، یکی از اولویت های اساسی این دوره طبقه کارگر ایران است، اما برای تاسیس تشکل کارگری به هیچ وجه نباید اجازه داد ارگان ها دولتی و کارفرمایان و نهادهای بورژوازی در آن دخالت کنند. کارگران، باید تشکل های مستقل خود را بدون دخالت دولت و بورژوازی برپا کنند و از پایین موجودیت تشکل خود را بر دولت تحمیل نمایند. در غیر این صورت، هرگونه جانفشانی برای تاسیس تشکل کارگری، آن را از همان آغاز کارش به دولت وابسته می کند.

دو سال پیش، سازمان بین‌المللی کار با اعزام هیأتی به ایران، از جمهوری اسلامی در رابطه با وضعیت تشکل‌های به اصطلاح «کارگری»، انتقاد کرد و اعلام کرد: «در ایران آزادی تشکل‌های کارگری وجود ندارد»، در نتیجه نمی‌توان آن‌ها را «انجمن‌های واقعی کارگران دانست». بدین ترتیب «آی ال او»، از جمهوری اسلامی خواسته است که تغییراتی در قانون کار به وجود آورد. زیرا قانون کار جمهوری اسلامی که ۱۴ سال پیش به اجرا درآمده است اشکالاتی دارد و مغایر با مقوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است.

در عین حال جمهوری اسلامی، از سازمان بین‌المللی کار، درخواست کرده است که دفتر خود را در تهران بازگشایی کند. دفتر این سازمان، ۲۵ سال پیش با حاکمیت جمهوری اسلامی، بنا به خواست کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا تعطیل گردید. قرار بود دفتر سازمان بین‌المللی کار، سال گذشته هم‌زمان با دیدار «خوان سوماویا»، مدیرکل سازمان بین‌المللی کار از ایران، در تهران بازگشایی شود. اما این اقدام به تعویق افتاده است.

اکنون به نظر می‌رسد سازمان بین‌المللی کار، به توافقاتی با جمهوری اسلامی دست پیدا کرده است. چرا که آقای «تاپیولا»، نماینده «آی ال او» در سفر چند هفته پیش خود به ایران، به دیدار مسئولان خانه کارگر رژیم رفت و با آن‌ها به بحث و گفت‌وگو نشست. وی در دیدار با مسئولان خانه کارگر، گفت: «تشکلات کارگری در ایران و در راستای مفاد مقوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ می‌بایست تقویت و حمایت شوند. بدون این که حمایت‌های فعلی کاهش یابد و نیز تحلیلی از مشکلات و موانع موجود در راه فعالیت تشکل‌های کارگری ارائه داد و همچنین به استقلال تشکل‌ها توجه شود.» (ایلنا، ۱۲ مهر ماه ۱۳۸۳)

این مذاکرات نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با تغییراتی در قانون کار و تغییراتی در شوراهای اسلامی کار با «آی. ال. او» به توافق برسد تا محدودیت‌ها و موانعی که در روابطش با سرمایه‌داری جهانی دارد، برطرف گردد.

واضح است که سازمان بین‌المللی کار، به سرکوب و استثمار وحشیانه کارگران، عدم آزادی تشکل و اعتصاب آن‌ها، به دستمزدهای پایین، خارج کردن کارگران کارگاه‌های زیر پنج نفر و ۱۰ نفر از شمول قانون کار، کار کودکان، بی‌حقوقی مطلق زنان کارگر، کشتار کارگران اعتصابی خاتون‌آباد کرمان، دستگیری و محاکمه فعالین جنبش کارگری در اول ماه مه در شهر سقز، اخراج دسته جمعی کارگران «طرح اشتغال موقت بیکاران»، اعتراض جدی ندارد. در چنین شرایطی روشن است که کارگران نباید کم‌ترین توهمی به همکاری‌های جمهوری اسلامی، این رژیم ضد کارگر و سازمان بین‌المللی کار به عنوان یکی از نهادهای بورژوازی جهانی داشته باشند.

از سوی دیگر، "هیات موسسان سندیکاهای کارگری"، در نامه‌ای به خالقی، وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی، خواهان برداشتن موانع بر سر تشکیل سندیکاها شده‌اند. به گزارش ایسنا، ۲۸ مهر ۸۳، "هیات موسسان سندیکاهای کارگری"، که از سال هشتاد و یک فعالیت خود را آغاز کرده است، در نامه خود نوشته است: «اگر اداره وزارت کار متکی بر حفظ استقلال و حضور نمایندگان برگزیده کارگران در اجرای اصل سه جانبه‌گرایی است، ایجاد گروه سه جانبه ملی، بدون مراجعه به افکار عمومی کارگران از طریق برقراری مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان موقت، به منظور شرکت در بازنگری فصل ششم قانون کار با اهداف وزارت کار مغایر است.» این نامه که غیر از مقدمه شامل پنج بند است، در خاتمه می‌افزاید: «با عنایت به موارد پنج‌گانه فوق، هیات موسسان سندیکاهای کارگری و کارگران امضاکننده این نامه از شما وزیر کار و امور اجتماعی می‌خواهند برای تحقق مقوله‌نامه‌های بین‌المللی کار که در هم سویی کامل با حقوق ملت مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز است طی برنامه‌ای به تامین نظرات کارگران کشور در فرایند اصلاح فصل ششم قانون کار اقدام فرمایید».

اسامی "هیات موسسان سندیکاهای" به دلایل نامعلومی تاکنون اعلام نشده است. با این وجود روشن است که چشم این سندیکالیست‌ها نه به مبارزه توده‌های کارگر، بلکه به بالا و به دستان‌خونین رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌های بورژوازی "آی. ال. او" است. در حالی که جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم جانی و ضدکارگر، احتمال این که به این‌ها اجازه بدهد شکل‌های زرد خود را زیر نظر وزارت کار به وجود آورند، بسیار کم است. در چنین شرایطی، گرایش لیبرالی و رفرمیستی در جنبش کارگری، بیش از هر زمان دیگری از تاریخ مبارزه طبقه کارگر در ایران، به مبارزه طبقاتی لطمه می‌زند. بنابراین چنین گرایشی برای طبقه کارگر مضر است، باید توسط فعالان جنبش کارگری و کمونیستی مورد نقد قرار گیرد تا خاک به چشم کارگران پاشیده نشود.

احتمالا در دیدار اخیر هیات نمایندگی "آی. ال. او" با مقامات جمهوری اسلامی و کارفرمایان و نمایندگان خانه کارگر این توافق حاصل شده است تا از یک سو تغییراتی در شوراهای اسلامی کار به وجود آید و از سوی دیگر با تاسیس چند انجمن دیگر توسط "هیات موسسان سندیکاهای"، خواسته‌های سازمان بین‌المللی کار برآورده شود. شاید یک دلیل اصلی چنین جهت‌گیری این است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان بازوی پلیسی رژیم در دورن جنبش کارگری، به پایان تاریخ مصرف خود نزدیک می‌شود. مسلما سرمایه برای پیشبرد امر خود، به ابزارهای جدیدی نیاز دارد. ابزارهایی که نیازهای سرمایه‌داری را بدون کوچک‌ترین تزلزل و با قدرت در عصر جهانی‌سازی برآورده سازد. هر چند این مسیر به زودی و به سادگی طی نخواهد شد، اما در هر صورت نیازهای سرمایه حکم می‌کند که

در چنین مسری گام بردارد.

هیات سازمان بین‌المللی کار، در سفر سال گذشته نیز یک سری توافقاتی نظیر تغییر بندهایی از قانون کار، از جمله تغییر تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار، با هدف برداشتن موانع قانونی تشکیل انجمن‌های صنفی، تغییر ماده ۱۳۵ و تبصره آن، و ماده ۱۳۷ که به نوعی به شوراهای اسلامی نقش مشورتی قائل است و مثلاً حق مذاکره بر سر انتقاد قراردادهای دسته‌جمعی و دیگر مسائل صنفی را به انجمن‌ها و سندیکاها بسپارد، امضاء کرده بودند. مسئولان شوراهای اسلامی کار، انتقاداتی به این توافقات داشتند. دلیل‌شان این بود که این توافقات، زمینه تضعیف شوراهای اسلامی کار را فراهم می‌سازد.

اکنون به نظر می‌رسد هیات اعزامی سازمان بین‌المللی کار در نظر دارد، خانه کارگر و شوراهای اسلامی را بیش‌تر به بازی گیرد و در جریان گفت‌وگوها و توافقات قرار دهد. برای مثال، نظر حسن صادقی، رییس کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، در رابطه با دیدار هیات سازمان بین‌المللی کار با نمایندگان خانه کارگر و دیگر دست‌اندرکاران رژیم، این است که: «الحاق به مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را در جهت حمایت از تشکل‌ها ضروری شمرده و ابراز امیدواری کرد تا دیدار نمایندگان سازمان بین‌المللی کار با مسئولان کارگری ایران، منشا تقویت بیش از پیش تشکل‌های کارگری شود». (ایلنا، ۱۳ مهر ۸۳)

بی‌شک کارگران ایران، در این ۲۵ سال حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، به تجارب ارزنده طبقاتی دست پیدا کرده‌اند. هر چند که این تجارب برای جنبش کارگری کمونیستی ایران، بسیار گران تمام شده است. باید ارزش و حرمت این تجارب را در همه حالت با ادامه مبارزه پیگیر سوسیالیستی و ضد سرمایه‌داری علیه بورژوازی و رژیم‌شان بی‌وقفه و هدفمند نگاه داشت. کارگران ایران، به آن حد از آگاهی رسیده‌اند که نه تغییر نام شوراهای اسلامی و نه تلاش سندیکالیست‌ها برای نشستن بر سر سفره جمهوری اسلامی و "آی. ال. او"، تاثیری در اراده مبارزه آن‌ها، از جمله تلاش برایش تشکیل تشکل‌های مورد نیاز طبقاتی‌شان نداشته و هم‌چنان به فکر تشکل‌های مستقل خود از جمله شوراهایی واقعی‌شان هستند.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی با به وجود آوردن تغییراتی در بندهای قانون کار و تغییر نام شوراهای اسلامی، شرایط مندرج در مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار، مهم‌ترین شرایط این سازمان را تامین می‌کند و مذاکرات نزدیک به یک دهه طرفین به نتیجه نهایی می‌رسد تا موانع موجود بر سر راه جمهوری اسلامی برای ادغام در بازار جهانی سرمایه برداشته شود. بی‌شک این جهت‌گیری اقتصادی با استقبال طبقه سرمایه‌دار ایران، چه در داخل کشور و چه در اپوزیسیون

بورژوازی خارج کشور رو برو خواهد شد. همچنین زمینه برای عضویت جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی (دبلیو تی او)، هموار می‌شود. زیرا یکی از پیش شرط‌های عضویت جمهوری اسلامی، در سازمان تجارت جهانی، پذیرفتن مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است. بنابراین توافقات جمهوری اسلامی و سازمان بین‌المللی کار، در راستای تامین روابط و مناسبات جهانی کار و سرمایه است که سرکوب و استثمار هر چه بیش‌تر کارگران را به دنبال دارد.

سال‌هاست که یکی از مشغله‌های عمده سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، ادغام در جهانی شدن سرمایه است تا در بستر جهانی‌سازی، منافع اقتصادی و سیاسی خود را تامین کند. جمهوری اسلامی، در این مورد بسیار عقب مانده است. بررسی بین ۱۵۳ کشور جهان نشان می‌دهد که ایران، در ردیف صد و چهل و هشتمین کشور قرار دارد. اگر جهانی‌سازی سودهای کلان و سرشاری را به جیب سرمایه‌داران و دولت‌هایشان سرازیر کرده است، بر عکس به سیه روزی بخش عظیم مردم جهان، به ویژه مردم کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه منجر شده است. برای مثال بدهی‌های رسمی دولت آرژانتین به طلب‌کاران بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و صنایع بزرگ، بیش از یک صد میلیارد دلار است. فشارهای ناشی از بازپرداخت بهره و اصل بدی‌ها سبب شد که اواخر سال ۲۰۰۱ یک بحران شدید اقتصادی در این کشور به وجود آید که آوار آن بر سر کارگران و مردم محروم و فقیر فرو ریخته شود.

در ایران، شکاف بین طبقات هر روز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود. آخوندها و آقازاده‌ها هر روز چاق و چاق‌تر می‌شوند و با ثروت‌های بادآورده که حتا یک روز هم برای آن کار و زحمت نکشیده‌اند، در رفاه کامل به سر می‌برند. در حالی که هشتاد درصد مردم ایران، زندگی خود را به سختی می‌گذرانند. بنا به آمارهای رسمی بیش از دوازده میلیون نفر در ایران، در زیر خط فقر مطلق هستند. بنا به گزارش روزنامه‌های ایران، چنان‌چه در تهران، افرادی که کم‌تر از ۲۲۰ تا ۲۴۰ هزار تومان درآمد دارند زیر خط فقر نسبی هستند. همچنین در شهرهای بزرگ مانند اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز، درآمدی کم‌تر از ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان زیر خط فقر نسبی است. این در حالی است که دست‌مزد کارگران استخدامی، رقمی در حدود نصف ارقام اعلام شده خط فقر نسبی است. همچنین کارگران روزمزد و کارگران کارگاه‌های کوچک که بیش‌تر کودکان و زنان کار می‌کنند، دست‌مزد ماهانه‌شان حتی به صد هزار تومان هم نمی‌رسد. تورم وحشتناک است. قیمت یک کیلو گوشت پنج هزار تومان و مرغ ۲۵۰۰ تومان است. آیا با این دستمزدها می‌توان شکم خود را سیر کرد تا چه برسد زندگی چند عضو دیگر خانواده را نیز تامین نمود. قطعاً برای برآورده کردن مطالبات کارگران و توده‌های محروم و تحت‌ستم، نیاز مبرمی به تشکیلات توده‌ای وجود دارد. بدون تشکیلات و مبارزه

متشکل نمی‌توان کاری را از پیش برد. اما تشکیلاتی که مدنظر جمهوری اسلامی، کارفرمایان، خانه کارگر، شوراهای اسلامی، سندیکالیست‌ها و سازمان بین‌المللی کار است، اگر نیازهای کار و سرمایه را برآورده می‌سازد، بر عکس چنین تشکلی به درد مبارزه کارگران نمی‌خورد.

در چنین شرایطی کارگران پیشرو، رادیکال و کمونیست وظایف خطیری دارند که اولاً برای تاسیس تشکل‌های کارگری مستقل از هرگونه دخالت کارفرمایان و رژیم بکوشند و موجودیت این تشکل‌ها را به رژیم و کارفرمایان تحمیل کنند. تاسیس شوراها با دخالت مستقیم توده کارگران، با اتکا به مجامع عمومی می‌تواند از کلیه موانع و توطئه‌هایی که بورژوازی بر سر راه تشکلیابی کارگران گسترده است، رد شود و به اهداف ضد سرمایه‌داری خود برسد. از طرف دیگر به معنای واقعی طبقه کارگر برای از بین بردن کلیه مصائب و ستم و استثمار سرمایه‌داری، باید از هم اکنون شوراهای توده‌ای خود را برپا دارد تا در بطن مبارزه طبقاتی پیگیر و هدفمند، کارگران به سیاست‌های طبقاتی و سوسیالیستی خود مسلح شوند. علاوه بر این طبقه کارگر از طریق شوراهایش بهتر و قدرتمندتر می‌تواند مطالبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی روزمره خود را بر کارفرمایان و رژیم‌شان تحمیل نماید.

قدرت ما کارگران و کمونیست‌ها برای ساختن جهانی عاری از ستم و استثمار در گرو فعالیت متشکل در صفوف حزب کمونیست و تشکل‌های توده‌ای مان است. حضور فعال در احزاب کمونیستی و شوراهایمان است که تجربه مبارزاتی و آگاهی سوسیالیستی خود را رشد و گسترش می‌دهیم و طبقه مان را برای تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی و تغییر جهان موجود به نفع بشریت آماده می‌سازیم.